روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۳۱ فروردین ۱۳۹۶ • ۲۲ رجب ۱۴۳۸ • ۲۰ آوریل ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۴۴ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ • اذان مغرب ۲۰:۰۱ • اذان صبح‌فردا ۴:۵۴ • طلوع آفتاب ۶:۲۴

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

قضیه بیخ پیدا کرد ...

۷ نکته آموزنده درباره ریاست‌جمهوری

پوریا عالمی

• نکته اول

چرا این‌همه آدم برای ثبت‌نام کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری صف می‌کشند؟ چون مردم نمی‌پرسند صف چیست، اما اگر ببینند دو نفر پشت سر هم بایستند فکر می‌کنند نذری یا جنس کوپنی می‌دهند و سریع توی صف می‌ایستند.

نکته دوم

شغل ریاست‌جمهوری تنها کاری در دنیاست که برای به‌دست‌آوردنش همه آدم‌هایی که کار ندارند دست به دست هم می‌دهند تا یک نفر آن کار را به دست بیاورد.آن طرف هم وقتی کار ریاست‌جمهوری را به دست آورد، دیگر کاری به کار بی‌کارها و دیگران ندارد.

نکته سوم

ریاست‌جمهوری تنها شغلی در دنیاست که مردم مسئول کارهایی هستند که شما می‌کنید. چون آنها شما را انتخاب کرده‌اند.

نکته چهارم

سوپراستارها و بازیگران و خوانندگان و ورزشکاران و... درجه‌یک دنیا برای به‌دست‌آوردن جایگاهشان سال‌ها باید تلاش کنند. اما رئیس‌جمهوری تنها شغلی در دنیاست که به‌جای اینکه شما سال‌ها تلاش کنید، سوپراستارها و بازیگران و... را می‌آورید توی کمپینتان تا برای شما تلاش کنند که مشهور و معروف شوید.

نکته پنجم

یک هنرمند اگر یک اثر بد تولید کند تا سال‌ها مطبوعات پدرش را درمی‌آورند و هنرمند هم دستش به جایی بند نیست. رئیس‌جمهوری تنها شغلی توی دنیاست که اگر مطبوعات برایش اثر بدی داشته باشد، می‌تواند پدر مطبوعات را دربیاورد.

نکته ششم

یک رئیس‌جمهور خوب لزوما عامل موفقیت کشورش نیست، اما رئیس‌جمهور بد بدبختی یک کشور را رقم خواهد زد.

نکته آخر

سیب‌زمینی تنها موجود بی‌رگی است که رگ‌خواب رأی‌دهندگان را می‌شود باهاش به‌دست آورد.

کارتون خواب

جلال پیرمرزآباد

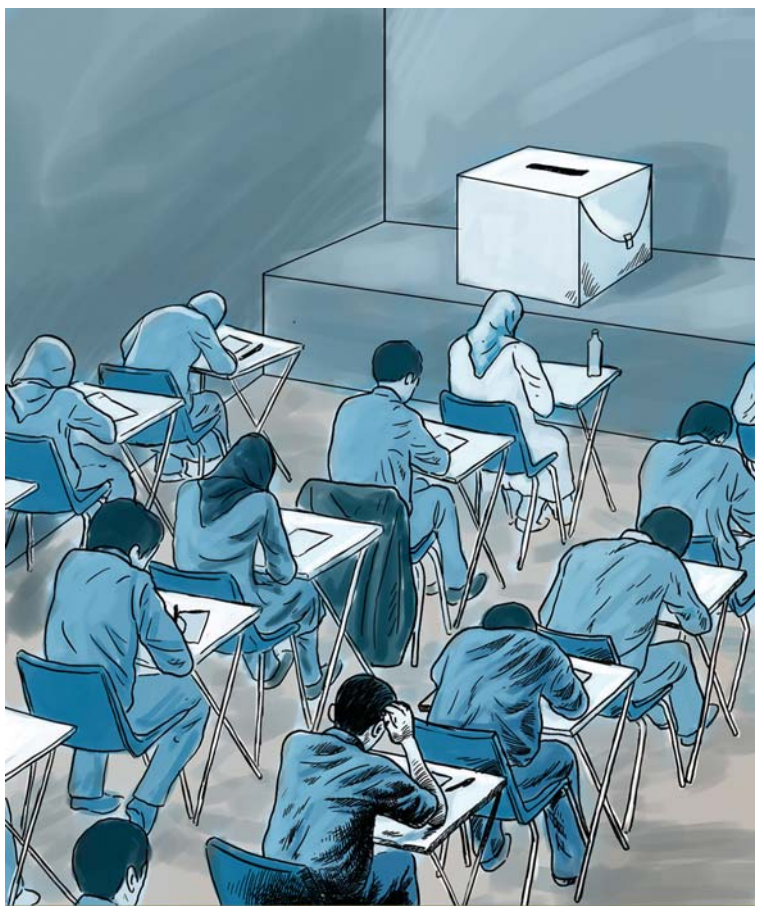

تا انتخابات

رمز عبور از این پیچ تند

پدرام سلطانی

هم‌زمان با آغاز سال نو در یادداشتی نوشته بودم که سال ۹۶، سالی متفاوت برای ما خواهد بود چراکه به ضرورت برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، این فرصت را می‌یابیم که در اجزا و مؤلفه‌های حکمرانی خوب اندیشه کنیم زیرا برای حرکت به سوی آن، انتخابات و به‌طور کلی مفهوم «انتخاب» یک الزام و یک ابزار مهم است. انتخاب بین نامزدهای آماده برای احراز پست ریاست‌جمهوری، براساس یک قضاوت نسبی و نه مطلق، تلویحا تلاش برای یافتن فردی است که بتواند بهتر از دیگران، مجری و موجبِ تحقق حکمرانی خوب باشد. برای انتخاب چنین فردی، هر قدر که مشارکت عمومی در جامعه افزایش یابد، شانس انتخاب گزینه مناسب‌تر یا بهتر در میان سایر گزینه‌ها بیشتر خواهد بود. نباید فراموش کرد که براساس نظرسنجی‌ها و تحلیل‌هایی که در زمینه انتخابات در کشورمان انجام شده، قشر تحصیل‌کرده عموما کمتر از گروه‌هایی با تحصیلات کمتر پای صندوق‌های رأی می‌روند و قشر روشنفکر و آنهایی که دارای تجربه و دانش بالاتری از دیگران هستند، کمتر از طیف مقابل خود برای رأی‌دادن اهتمام دارند.

با توجه به چنین ترکیبی از رأی‌دهندگان، اگر انتخاباتی با استقبال کم روبه‌رو شود، انتخاب‌کننده‌ها افرادی هستند که براساس انتظارات معیشتی خود و به تعریف علمی، پایین‌ترین مراتب هرم مازلو، انتخاب خود را در بین نامزدها انجام می‌دهند و طبعا حاصل چنین انتخابی اگر به مسند ریاست قوه مجریه برسد، در جهت برطرف‌کردن همین نیازها دست به کار خواهد شد و نه رفع نقیصه‌هایی که در مدیریت کشور وجود دارد. طبیعی است که در چنین شرایطی اگر به‌طور مثال، شاهد کاهش شفافیت و افزایش فساد باشیم، نباید چندان تعجب کرد چراکه دولت موردنظر، هدف خود را برطرف‌کردن نیازها و انتظارات اولیه جامعه قرار داده است و این شیوه حکمرانی، شیوه تلاش برای تحقق نتایج کوتاه‌مدت است، نه اداره کشور با رویکرد و برنامه‌ریزی درازمدت. در چنین شرایطی دولت با خرج‌کردن منابع عمومی و ملی کشور در یک دوره چهارساله، حلاوتی گذرا را نصیب مخاطبان خود و مطالبه‌گران معیشتی می‌کند اما تلخی درازمدت آن می‌ماند برای کل کشور و ازجمله افرادی که در انتخابات شرکت نکرده‌اند و البته دولتی که بعد از این دولت خواهد آمد و با کمبود منابع مواجه می‌شود.

پس با مشارکت حداکثری در انتخابات می‌توان موجبات بالارفتن معدل عقلانیت در کشور شد و در چنین حالتی است که وعده‌های بلندمدت و سخن از حکمرانی خوب، مخاطب و رأی‌دهنده به این حرف‌ها پیدا می‌کند و افزایش شفافیت، جلوگیری از فساد، توسعه پایدار و سایر اهداف بلندمدت تعهد رئیس‌جمهور منتخب خواهد شد. به زبان دیگر مشارکت حداکثری، می‌تواند اثر شعارهای عوام‌گرایانه و وعده‌های غیرعملی و ریالی را کمتر و کمتر کند و اجازه دهد وعده‌های عقلانی که بر بستر توسعه بنیادی تعریف شده‌اند، با بیان رساتر طرح و بحث شوند.

به دلایل مختلف، یک نااطمینانی و نگرانی نسبت به آینده کشور در مردم و به‌ویژه در میان تحلیلگران و نخبگان وجود دارد. این نگرانی روی دیگر سکه حکمرانی خوب است. طبیعی است که این نگرانی، زمانی بیشتر می‌شود که مردم در تب‌وتاب انتخاب فردی برای اداره امور اجرائی کشور قرار می‌گیرند. افکار عمومی برخی از کشورها در چنین بزنگاه‌هایی به سمت ناامیدی و استیصال منحرف می‌شود و با اظهار اینکه حضور ما در انتخابات بی‌فایده است، خود را از این میدان بیرون می‌برند. این در حالی است که سابقه مللی که عکس چنین رفتاری را از خود نشان داده‌اند، نشان داده است که نتیجه خوب از مشارکت حداکثری در «انتخاب» حاصل می‌شود، نه ناامیدی و یأس.

مشکلات هر کشوری چه داخلی و چه خارجی، جز با مشارکت در قاعده دموکراسی قابل اصلاح اصولی نیست. اگر این مشکلات ریشه داخلی داشته باشند، مشارکت مردم به افزایش سطح عقلانیت عمومی جامعه خواهد انجامید و اگر ریشه خارجی داشته باشند، مشارکت بیشتر مردم، سیگنالی است به دولت‌های خارجی برای پیشه‌کردن روش‌های عقلانی و صلح‌آمیز.

امروز ما در چنین بزنگاهی قرار گرفته‌ایم و هر قدر که بتوانیم میزان مشارکت عمومی مردم در انتخابات را افزایش دهیم، امن‌تر، امیدوارتر و مطمئن‌تر از این پیچ تند خواهیم گذشت.

یادآر

آن مرد با اردیبهشت آمد

برای ۵۸ سالگی قیصر امین‌پور

سهیلا عابدینی: مرا به جشن تولد دعوت کرده‌اند؛ روز دومین از اردیبهشت. چه اسفندها دود کردیم! برای تو ای روز اردیبهشتی که گفتند این روزها می‌رسی، از همین راه!

کلاس‌های دانشگاه شروع شده؛ درس نقد ادبی، طبقه همکف، کلاس ۱۲۴. یک سمت تخته کلاس پُر شد از نوشته؛ امکان نقد، فایده نقد، انواع نقد، شیوه‌های نقد سنتی و نقد نو. سمت دیگر هم پر شد از نقاشی؛ مؤلف، متن، فرامتن، جامعه و مخاطب.

دو ساعت گذشت و وقت درس تمام شد. دانشجوها کلاس را خلوت کردند. بانوی میان‌سالی به سمت میز استاد رفت و از نام‌ونشانش پرسید: «شما قیصر امین‌پور هستید؟» استاد با لبخندی و سرتکان‌دادنی جواب مثبت دادند. خانم از کیفش دفتر قطوری بیرون آورد و گفت این مجموعه شعرم است. می‌خواستم آنها را چاپ کنم. بعد از پرس‌وجو شما را پیدا کردم و شنیدم در دانشگاه هستید. می‌توانم از شما بخواهم برای شعرهایم مقدمه‌ای بنویسید؟ وقتی که جوان بودم شوهرم فوت کرد. با خیاطی بچه‌هایم را بزرگ کردم. الان در دانشگاه مشغول تحصیل‌اند. آن سال‌ها شب‌ها بعد از کارم شعر می‌گفتم و زندگی‌ام را در دفتری می‌نوشتم. حالا می‌خواهم با این شعرها زندگی‌ام را نشان دهم. استاد امین‌پور بعد از شنیدن حرف‌های آن بانو با طمأنینه توضیح دادند که تابه‌حال برای کسی این کار را نکرده‌اند و اصولا حتی برای دوستانشان هم انجام نمی‌دهند پس او هم این کار را از ایشان نخواهد و از انجام‌نشدن این کار به قلم ایشان هم ناراحت نشود. بعد گفتند می‌شود چندتا از شعرهایتان را بخوانید؟ خانم با خوشحالی دفترش را باز کرد و شعری خواند. استاد گفتند یکی، دو بیت شکست وزنی داشت، او شعر دیگری خواند، استاد گفتند خوب تمام نشده بود، خانم دفترش را ورق زد و شعر دیگری خواند. استاد گفتند چند واژه بود که الان دیگر کاربرد ندارد. در آخر هم برای جمع، چند نکته کلی بیان کردند. آن خانم تشکر کرد و رفت. ما هم به‌همراه استاد از کلاس بیرون آمدیم و در سالن قدم‌زنان بحث می‌کردیم. استاد امین‌پور پرسیدند به نظر شما این خانم ناراحت شد؟ ما همگی با قاطعیت گفتیم نه استاد؛ چرا ناراحت شود، شما شیوه کار خودتان را دارید. استاد درحالی‌که فکر می‌کردند، گفتند آن خانم آمده بود از من بخواهد برای شعرهایش مقدمه بنویسم، ولی من در مورد شعرش نظر دادم و نکته گفتم، او این را نخواسته بود. ما جواب دادیم استاد شما شعرش را نقد کردید، خودش هم موافق بود با نکته‌هایی که شما گفتید دوباره شعرهایش را بازبینی کند. در سالن اصلی استاد خداحافظی کردند و همچنان در فکر رفتند. این آخرین‌باری بود که در درس حضوری استاد در هفته آخر مهر ۱۳۸۶ حاضر بودم.

۱۰ سال از تاریخ آن کلاس می‌گذرد. نمی‌دانم دوستان کجا هستند؟ آن خانم شعرهایش را چاپ کرد؟ استاد در ادامه آن فکرها چطور رفت؟ تمام طول راه و تمام این سال‌ها فکرها و حرف‌های استاد را با خودم مرور می‌کنم و به جزوه آن روز، نسبی‌ترین نوع نقد، مراجعه می‌کنم.

رودررو

نگاه امیرحاج‌رضایی به سوءاستفاده سیاسیون از ورزش

فوتبال برای عده‌ای راه رسیدن به شهرت است

سعید برآبادی: استفاده از فضاهای ورزشی و حضور در جمع هواداران مسابقات، برای طی‌کردن پله‌های ترقی سیاسی، موضوع تازه‌ای نیست، اما انتشار خبر احتمال حضورِ رئیس دولت دهم در جشن پیروزی تیم پرسپولیس؛ فارغ از رفتن یا نرفتن او به استادیوم آزادی، دوباره این بحث را به میان کاربران شبکه‌های اجتماعی کشانده است. در این گفت‌وگوی کوتاه، امیر حاج‌رضایی بدون اشاره مستقیم به حاشیه‌سازی اخیر این فرد، می‌گوید که فوتبال برای عده‌ای راه رسیدن به شهرت است.

◄ آیا می‌توان احتمال حضور رئیس دولت دهم در جشن پیروزی تیم پرسپولیس را یک نوع سوءاستفاده سیاسی از دنیای ورزش دانست؟

من سؤال شما را به نوع دیگری جواب می‌دهم چون مایل نیستم به این موضوع ورود پیدا کنم. در کتاب «فوتبال علیه دشمن»، سایمون کوپر می‌گوید که «فوتبال راه میانبری است برای رسیدن به قدرت». مصداق‌های جهانی از چنین استفاده‌ای هم فراوان هستند؛ برلوسکنی با موفقیت تیم میلان، قدرت سیاسی خودش را در جهان تقویت می‌کند. در جام جهانی ۹۸، مصداق‌های فراوانی از این پدیده داریم؛ روزنامه لیبراسیون در آن زمان آماری گرفته بود که نشان می‌داد، اگر فرانسه قهرمانی جام را به خانه ببرد، شیراک در قدرت می‌ماند و اگر ژاپن پیروز میدان شود، ارزش پول این کشور افزایش خواهد داشت.

◄ به عبارت دیگر، می‌خواهید بگویید که تأثیرگذاری فوتبال تا این حد زیاد است که سیاسیون در کل جهان به آن چشم دارند؟

نه‌فقط فوتبال، بلکه به‌طورکلی ورزش این‌چنین است، اما فوتبال از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است و شما می‌توانی تأثیر آن را نه‌فقط در دنیای سیاست، بلکه در حوزه اقتصادی هم ببینید. چنین دیدگاهی منجر به این شده که تحقیقات مفصلی در جهان پیرامون تأثیر فوتبال در حوزه‌های دیگر صورت بگیرد. سایمون کوپر برای نوشتن این کتاب به ۲۲ کشور سفر و مخاطبان را با فوتبال واقعی آشنا کرد و حالا خیلی‌ها می‌دانند که تأثیر فوتبال بر روابط جهان چقدر است، اگرچه شاید نتوان میزان این تأثیرات را در عرصه روابط داخلی کشورمان سنجید.

◄ به نظر شما فارغ از مصداق‌ها، آیا ورزش در ایران می‌تواند پله‌ای برای شهرت، خصوصا در حوزه سیاست باشد؟

در کشور ما، بسیاری از شخصیت‌های غیرورزشی، روزی به دلایلی تصمیم گرفتند که وارد دنیای ورزش شوند و از این طریق هم به شهرت رسیدند. خیلی از آنها، مدیرعامل باشگاه‌های فوتبال شدند، چرا؟ چون فوتبال این جاذبه را دارد که یک فرد معمولی را به درجات بالای شهرت برساند. این قدرت انکارنشدنی فوتبال است.

◄ بنابراین زمینه سوءاستفاده از ورزش و خصوصا فوتبال همیشه و همه‌جا وجود دارد؟

رفتن به مراتب بالای شهرت و سوارشدن روی موج شهرت فوتبال در دوره‌ای برای آنها که تا حدودی تمکن مالی داشتند سخت نبود و امروز هم نیست. شاید قبل از اینکه بخواهند مدیرعامل یک باشگاه فوتبال اسم‌ورسم‌دار شوند، به شهرتی که می‌تواند چنین پستی داشته باشد فکر کرده و پا به میدان گذاشته‌اند.

پیشنهاد فردا

• تازه‌ترین نمایشگاه عکس انفرادی نیوشا توکلیان، با عنوان «می‌دانم چرا شورشی آواز سر می‌دهد» از اول اردیبهشت در گالری آب‌انبار به نشانی خیابان انقلاب، دروازه دولت، خیابان خاقانی، بن‌بست روشن‌منش، پلاک دوم افتتاح می شود و علاقه‌مندان برای حضور در این افتتاحیه می‌توانند از ساعت سه تا ۹ شب به این آدرس مراجعه کنند. نمایشگاه عکس «می‌دانم چرا شورشی آواز سر می‌دهد» تا بیست‌ونهم اردیبهشت‌ماه برقرار است.

• نمایشگاه عکس‌های ایزابل اشراقی با عنوان «ریشه‌های من» از روز جمعه اول اردیبهشت‌ماه ۹۶ در گالری راه‌ابریشم (شعبه پارک لاله) گشایش می‌یابد. او متولد ۱۳۴۳ در اصفهان از مادری فرانسوی و پدری ایرانی است. در سال ۱۳۷۵ به زادگاهش که در کودکی آن را ترک کرده بود، بازمی‌گردد. از زمان نخستین بازگشت، از زندگی روزانه زنان اصفهان عکاسی می‌کرد، با هدف به‌نمایش‌گذاشتنِ آنچه خودش می‌توانست باشد.

• هم‌زمان با شروع اردیبهشت‌ماه، روز بزرگداشت سعدی، قرار است از کتاب «این گلستان سعدی نیست» رونمایی شود؛ کتابی حاصل نوشته‌های عباس یزدی و طرح‌های علی جهانشاهی. این مراسم جمعه، اول اردیبهشت در گالری ایرانشهر از ساعت ۱۸ تا ۲۰ برپاست.

• نمایشگاه گروهی «قباله»، شامل آثار حجمی، عکس، ویدئو و چیدمان، عصر روز جمعه اول اردیبهشت کار خود را در گالری عمارت روبه‌رو آغاز می‌کند. این نمایشگاه دعوتی است برای دیدن دیدگاه‌ها و تجربیات شخصی هنرمندان به ازدواج، زندگی مشترک، طلاق و مسائلی که در حواشی اینها روی می‌دهد. از میان هنرمندان این نمایشگاه می‌توان به امیرمسعود اقارب‌پرست، هدی امین، نازلی پورشیرمحمد، احسان تحویلیان، نگین حدادزاده، نوژان حیدری، زاهره دنیادیده، احسان روح‌الامین، احسان ضیایی، یوکابت فرخی، زهرا قیاسی، محیاکیو، ترلان لطفی‌زاده و مریم مستقل اشاره کرد.

LEON

Since 1960

The Roof

خاص باشید... فضایی متفاوت...

پاسداران، نبش بهستان هشتم، ساختمان آبتین، طبقه ۷

۲۲۷۹۱۲۱۹

۲۲۷۹۱۲۷۵